

آفایان چهار مال مردم این مملکت را بهزادن نیز نیک واقعون سر گرم کردند و با گفتگوی داده ای اینکه این مملکت می خواهیم خارجی ها را بدیرا بفرزند بگشتم حق تورا از حلقون آنها بخوبی داشتند و بخوبی بخودی در داده ای اینکه این مملکت می خواهیم معلم و فرهنگ نخواهیم داشتند و با این مملکت ویران شدند و تو قریب ترین آنرا نداشته باشی و حتی در این موضع باید کار و زندگی خود را هم رها کنی و همه روز میتبینی بدهی مرده باد و زنده باد بگویی تاما باسم مبارزه بالاخنی برخرا مراد سوار باشیم بمردم گفتند تو اینکارها را بگن موضوع نفت حل بشود آنی در دشمنی نصب تو و مملکت تو خواهد شد؛

مردم تمام این حرفا را بامیدارند در شناختن که با وحدت می‌دانند باید و دی سیصد هزار اینه تحمل نمود بگشتنی تن در داد بایرن هنگی ساخت جلو چشم اوتام ذخیر ارزی او تمام و دلیع و سیرده هائی که در هر آناره و مؤسسه ای موجود بود یعنی بول صندوق بازشستگی که مال باید مشت زن و پیش بسته تخته نمودن دوات بود بصرف سانیدن و هررو با این شرایط باید مشت اسکناس چند بار هزینه زدن کاتانی در دوش مردم فلکرکده این مملکت شدگان تر کردن ناتوانی که دیگر کم این ملت را درزیز بر سرگین هزینه زدن گانی خرد نمودند ولی آنهم شدید را مردم این مملکت با تنشی از نظر روزی تحمل نمودند که بالآخر موشوع نفت بهرسورت و شکلی باشد محل خواهشند (صحیح است) و آنوقت خواهند توانت نقصی بر ازدیت یکشند یعنی همان انتظار امرور زد اشتند و خود را بهمچو روزی امیدوار گردید بودند (صحیح است)

آفایان بعد از آن روزی که ملت ایران انتظار آن روز را داشت رسیده است امروز دیگر بخواست خداوند در تخت نهاد و راهنمایی خود را در زمینه ای اینه بضرت های این شاهنشاه و تدبیر جناب آقای نخست وزیر و شاهامت و دوامن بینی نمایندگان گان میگفت حل شد و دکان نفت بخواست خداوند هست شد حال دیگر بچه چون میتوانیم این مردم فلکرکده را سر گرم کنیم بجه عنوانی میتوان آنها را با تایه نوبد داد بظاهر جال وقت آن رسیده است که نمایندگان مجلسی هیئت حاکم و دستگاه را که ایجاد شده اینه از نهاده ای اینه بخواست نفت بخواست خداوند هست

دستگاه قضائی این مملکت را اذین صورت خارج و بوصوئی که مورد احترام و اعتماد مردم شدند در برابر نهاد رسیده است که مس افتخار یا که اینه بخواست از نظر اینه ای اینه بخواست از نظر معاکم ما را قضات گمراه شده و غیر صالح و خدای ناخواسته غیر درست اشغال نموده اند (احسن است)

آذین ای اینه بخواست شهراهی خراب بینی و شهراهی که مدل نفاذ ملکیت بیان اینه بخواست از نظر اینه بخواست شهراهی خراب بینی فکری کرد و ضعف دشگانی مردم و شهر ها را بخواست از نظر اینه بخواست شهراهی

بین الملل	جشنواره
خود را	و درود
پسرانه	همان
گرفته	دسته
دقیقه	دادم
جناب	میکنم
اوین	شدار
آبادی	آبادی
داشتند	واحدلی
که اسما	را باز
که د	کار
از مرد	اینستک
شد ک	صیغه
ایشان	میتوان
که ب	ها ویا
(ص)	اطه
فامنه	تعزیز
متنه	باران
یعنی	توجه
دارد	منظمه
و بک	یاد
فهمید	ملک
اشغال	دهیم
این د	این د
بمقدار	اما نه
برای	و بر
بعد	بعد
اکنون	اکنون
صرف	صرف

اللى برای ملت خود خوش
اقع نمی خود را باز
ن رانشیخیں بدنه
سیاست باری داشت
ای گلشن و عدم
تبیه درا خواهیم کرد
نم (احسن)
ریس - آنای
استخر - پنهان او
آفای تیمار و خود
کوکوت خودشان
اطهار اعلاء را
اشکر که دمای
که در یکی ازند
درب اشخر ای
د این حل مشکل
ها رادر گر خود
مالا د ناگهنه
این مشکل حل ای
به توانی راضی
ک گیرم این را بند
می دانم اما را
ستم نمک بردهم
برای مملکت پیش
مای والحضرت
ح است الیه چنان
را داشتم باستی
اطهار کمال تأسی
ت و تسبیت خود
م ملوکانه تقدیم کرد
این استکه ما اینا
ر همچو اقامه ای
قایم مهمی که تما
پیش بیاند و ما
هزیر و تسلیتی
جزرا این مطالع
ت ما باین گفتند
س معهمی دایین
بظر برنده دوچی
اعظای میشود اینکه
رات و سروشیت
مرض بدهد اینستک
ت مملکت هواییم
ادر شاه سقوط
از اینهمه هوابیما
عاجی در حقن میله
ک در داد آنچه

کرده ام هم باید
گیوه و فون و ضرر
از ایسات مجامعت
جهت و باز انتاکه
تفاوت سیاست هشت
رفت که در گذشته
الاماراتی بهزادی پنهان
امم را با آنای استه
ستخوار قدر مائید
ل از همکار محترم
امی اظهار تشکیل
را اطلاع بینه داد
رباره بینه گردند
بناب آقای قنات
طبقه های خود را اخوا
سدرو ویسلی امری
تفاهه و اقوالی الصدرا
جایز دیده اند
آباز کرد باین منع
نهاده که بسیار ای
گرفته بودوسیار
لذا شده و بدم
فلاذابانی باز
شود موضعهای
موضوعات مملکتی
مدد از ایجاد دعای
جع ب موضوعی که
این قضیه باشد
آمد و موضوع سقوط
شاهزاده هریضا است
نچه دونفر از آقایان
رایم باین قضیه
رسا کرده و مرانت
مان دا به بیش
نیم اما نکنند که
بند هر دو زیارت
شیم که برای مملکت
س اقدارهات مملکت
پیام به شت تبریز
اطهار ناشایه
و این اغراض داد
بیش میباید و ماید
حقیقت از اکت می
ز موجب سیاری
اصولا مکه معمه
ستیم این بیانی خوا
ه در چند فرسخ
ی شاهزاده مملکت
بکنند پس از دو
روانه کردن هیش
همی بینی و وقار
که شاهزاده که

نوری-برای
بود) هدین ر
در جنگ فرسخ
هوابها افزا
اکشانیه ایان
با پیشتر یا
کردند بلات
مالانه همه
کومنورد ایان
علم اگست تری
جیست ؟
اسن شده
کوه نور و د
که همان دن
می داشتند ک
پکنند هم در
دستور راد
دهاتیها برو
که بعد از
صورت فوجی
ممکن بود
مؤثر باشدیم
در آغاز او
باک مشکل
این برای
ملکت ایان
برای پیر
در این کوه
تا پیدا کنند
در هوا انجام
برای بودجه
پیش آمدان
هیچ نیزهای
بلکه هر د
کنم این ایان
بنده برای
که نسبت به
ملکت از ز
و آن شخصی
و در اثر راه
هست تمام
کردن بدو
همیشه موجود
است) اک
شاھیور علیبر
که دامن ایان
است میکند
می بینی
بیچارگی)
حر کت کند
گرفت و نه
جانم را فدا
کنی) صعب
نیواد میکند
خراب کن
نیمکند
بروست نیمک
است که که

اینکه راه ندارد
ا. میوه هارض
ب. پایانه هشت پشت
بندۀ تعجب میگردد
قدر رفت و آمد
متر چندین دروی
یقه (صحیح است)
س اینه نه فتنه
دهمه سحر انور ورد
ست کردم حقوق
برای یک ه
نه منند ه
دهمه سحر انور ورد ولی
ز جزوی کشیر زمین
باشد روی زمین
ها باشد
هوا باشد از
ادم باشد که کر
ند این حجاز مرید
روز بالآخر
ج اقدام شود یک
در آتی وجودش
شناخته ام ای کس
برای بدی شک
در می دام در
باشد راه باره
بود امروز مول
می کردم است (صحیح است)
این برای این فعال
میگیرد و اما بر
دولت چه مخارج
جاد کرده و متناسب
می باشد
این یک عرض
گرفتی که بندۀ
ت که گفته ایم
دند هسته غالب این
در دیوار و نسبت
اینکه هسته غالب این
ترانه از دارد که داد
نم می شوند که داد
را هرمه این شاه
ضا یک داد با
ن جوان را داد
تش آفغان این
می بینیم (صحیح است) ایز
من میگذشت و میگشید
ب این پیش آمدنا
ر هرمه این شاه
ضا یک داد با
ن جوان را داد
تش آفغان این
می بینیم (صحیح است) ایز
من میگذشت و میگشید
ج است (لااقل
آقای خلبان این
بکو شاهین غرا
کنفر از نایندگان
تند) این برای چیز
داده است که داده

جای بدی
کنم و فتیکه
این کوه
نم که هشت
چهار صد فرسخ
صرف اینکار
ادر صورت یکه
ردار اینه
که در این
دادیم برای
چو و قی
ستم و نه
خدا میداند
ن چنان شند
ا سکتی اف
ز اول هیئت
م و نود ما
لها کننده این
با زیارت کیفیت
ماهواره ای که
برای مملکت
تاریخ و بیمه دی
لکت را دیگار
صحیح است)
عن شکلات
پلات ماست
ین چنگلها
من درون
پنهان میگاهم
ای مملکت و
ه کنندی این
بدون گرفتن
س پنهان بود
چیزی عرض
قضا یا بعیده
میریان است
شخاش موز
با یاده از دن
در از هادت
ر مملکت ما
ان اظهار نظر
ردن این قضایا
میشود (صحیح
نزاده بیجاوه
شخصیتی بود
رفت (صحیح
هوا پیام که
ن تکرک این
نبیگذارم تو
داماش رامی
که آقا من
مادر تحریر کت
اگر ممکن
ن ماشین را
ست حرکت
ان کسی
ست برای این
این کنفیت

که بصلاح و مصلح
نود گسانیکه نزد
ذ شخوص اهلی پسر
بزر از مرد پیر بهن
بنینها اگر چنانچه
گلگرنده این بضروره
ست اجازه بفرما
تصویر را خدمتمنان
و بدبختی معمولی خود
در مالیات بوندانه است
که مرد موهمند ادار
ز ازاس افتخار داشت
و باصطلاح اطاعت
سایه این را زد
برای اینکه فانتماری
شاهزاده نمود کرد
فرانفلی و قوقی که
بروز از دزدی ای ثغثت
قریبات بروم من
خودره من صاف
من نو گری هنین الـ
بینیکندام این دک
پیرندن پیات و با بد
گلگردن دویان مرد
دده شد بعد پادر
شوب تو چکار می
فر ازین قصه
فرانفلی بود (هـ)
شخصیت داشت (مـ)
شیخیتیست بنده
که کوک
قید و قوتی که
بودند و تابیل داش
را اعمال کند بد
در مملکت ما مکرم
هر دباری که ما
چیزی نیست بند
عطا اینکه
بقدیم و قوتی که
بودند و تابیل داش
سراسروی روی شهر
مسنونی الممالک و
کرده بودند فربا
که شما سوار
کردند که کاری
و عود شماری ای
لازم است شاه ایران
چیزی نیست که
عطا اینکه
خریخ شواهی این
میبدیرم و تازنده
باشند تزویج بد
اینکه بیانی
اینکه کاری که بضر
بکرید (شوختنی
فشار برایش ای
که بسیار شکم

ت مملکت است
یون بدر بار هستند
ت هر مسیکن تان
گاه و زرد گان
غواهند این رویه
ملکت تمام می شود و
ایند که بنده
هر چشم کنم شماز از داد
شوار قایان باشد خدا
ان برای بنده نقل
امد یک از شکار
خوش اطبلی ای آ
جر احان آتومنی
زند چون علاجی
بیشود خلاصه های
داشت مردم داشت
دکتر ها رفته
هزاره از شزاده
درم نیدم در خانه
وصریع بتو میگردند
موهه یکی را نمی
تر های فکلکی بایی
دست من ایکر
قطع کن اول این
زون رسید پرسیدند
کنی کشت من هم
مالی بیکنند بشر
مالی میکنند بشر
بهید رفت و آوا
هزاره از دارا مراجعت
بینکدید این دست
الار جهن فرامرزی
بیتو است شهصیت
بغایت آقا این شه
شندن در هر درگاه
لاظه میکنید زند
شنبه ام که اهلی
با ایشان رفیض ای
تندید باشکه رایی
کردش بگنند
حاجه میدانم
حاجه ایشان رفیض
بود چون میدانم
من استعمال
صلحت را بن من
هم سوار طبله
آن ولی دیگر مست
فرانقلیها مردن
نهایا یک چیز ایشان
رجیح است
در مملکت باشد
اگر کسی هم
شندید من از زند
مارک اهل محنت و

است یعنی	گفته
مرد داده	بنده
مرد نیست	خست
است میشه	دربار
اعلان چن	ایش
هزینه است	صیغ
کایت	امیر
مروبوط	هزاده
داریدند	گردند
یاک نزه	گاهها
بود نکله	وردن
وقت بالا	گفتند
کرد مادر	نمادر
الناس	شطر
ک در را	ت نام
آن بنام	آمد
را اختیار	محون
اهیر اطوان	تونان
از مادام	به که
ذن صر	کنکمن
هوام گاه	ست را
یاک نزه	هممالجه
شار رفته	رف ها
ابن است	خانی
ملکه کن	بروم دو
ونامی را	باورم
در هر چه	طیکه
است	ردد و
طیاره	گردند
این مرد	کلاته ک
شاد یعنی	- که
شاد بینند	ضررت
چند نفر	نودوش
شرقاں	صیغتها
اندوش	هي در
آن قس	آفابله
بهرت می	وزراء
باشد رفته	طباره
نسبت	برروم
میدانیم	عرض
(شو)	کنم
مکن کار	اشکه
ایشان	سلک
لطمه وا	بود اذ
من صر	ا کمال
کایتی	گونی
این را	بینیشود
ما باشد	و غوی
رفت این	-
کوکی	اصیح
مانسان	خاصی
کاراند	کاراند
انجام	انجام
باشد	باشد
ایمان	ت این

و قانون پاین
پیاده شانگانگلستان
وقت تمام قدرتها
جهل کند میتواند
در سوریه که
پلاط لامان اینگلستان
ت نکردن و اولی
هل در در آنچه که
ازرد هم اطلاع
هم بود خواست
دانون درباری
ت نهست وزیر
ملس هوان گریه
به شاه
گرفتن این ذن
خ میشود خلاف
یکی از این دو
و تاج ملکت
اسر فخر گردن
نتوانست از آن
رد یعنی در مجلس
نهاد سرکنتر از
انگلستان باشد
د همای او مقصود
باشند یهده
بهم میگذشت
نهند در برآور او
و مملکت
شاد نایاب سوار
ن (برای ایشان)
مال کشور است
ت صحیح است) شاه
صحیح است) شاه
یهده ملتی (صحیح
ملت ایران این
گنگانی ملای قوم
ملس شورای ملی
نهند بحضور ایشان
حق قانونی گردن
نمتنها (شوشری)
شکاری که اصلاح
دراین مملکت
نهند همه
شانه ایه بکنیم
لامهندی بکنیم
که از اینکه
حاله ای متوجه
و باستقلال کشور
اید آزاد گذاشت
اید وزیر دربار
رهایه ایون هستند
نهند (شوشری)
نم (آمد و
م موقع را
یجای ایشان برآورد
نهند وقت

هر دن
 دیگر ده
 از راه
 نسبت
 که پنهان
 تیمسار
 (شوقت)
 که راه
 بکنم
 رأس ته
 دارم و
 (صحیع)
 عرض
 دائم و
 نکرده
 اینکه د
 گلستان
 بانک ک
 پیدا ک
 غارتیست
 تمام اما
 دزدیده
 هادسته
 مملکت
 نخواست
 این نایان
 تحسیس
 که عن
 ما کاری
 مصالح
 نفوذ
 امنیت
 (شو)
 باشد
 در زمان
 در زم
 کامل
 پوچید
 فتنک
 امروز
 سلاح
 همین
 گذون
 باسطن
 برده ا
 بوده ا
 برده ا
 فارس
 پیشتر
 و نکر
 در نظر
 ای بود
 در مر
 یک م
 نیوپول
 اشتغال
 اعتماد

(ات) انبیاء موضع
ت فارس (او باب
رید) (خنده
ماچانه پدر ماینند
م مشوی شفته ناه
تشریف دارند
ماجراز میدهند
کلمه صعبت
چیزی که در
بیف البته رفرار
ی مملکت است
تای محترمی
هزوز امیت
استقرار بیدا
الآن روز نامه
ز است روز نامه
ن کامپیون رئیس
قال بکرمان
میون این مردا
شر الغت میکنند
برند این حور
بیست این ذذدی
اعتنی باشد و در
دوات خدمای
جهی میشود
ان تمام میشود
و عده فرمودید
ح خواهد شد
م ممکن است
که شا فلام
بزیند ما آما
ح خواهد سلاخ
دست دوات
لعل اسلام است
دل زیباده حقی
تأمین و امیت
قید در فارس
شت هر آنکه
داده اشت اگر
ت مردم را خالع
روا تأمیر بکند
م واقع شد تا
داده اند که
در خانه کی
انه کدام ایلی
بسیور گئی
جمع باین موضوع
ماست یا تو جه
از این وحشت
وع دیگری که
بن کنم مصاحبه
خان مقنائی
خت مملکت با
ما مخبر تأییز
ریز بنده چند
بوده یکی از
بان این ایام
دانش ایام

داده‌اند (ایدی‌الاس)
بید الصاحب صفا
تاریخ است (البتا)
است که ایل شفشا
هزار نفر پاشد
پاخصد هزار نفر
ناصرخان ازین قدر
پاخصه‌هار نفر ما
ملکت گویت
افتخار شاه بیشتر
زیاد است ولی
تفقائی را بقول
در یادنخست مملک
وقمای فرار گرفت
کشید که ایک
چه خواهد کرد
عکس المعاش چه
غالب شد چه می‌
چه خواهد شد
خودشان را دخواش
کرده‌اند خوشبخت
هر وقت دولت بخ
تسليیم هستیم و
بنده یادین متوجه
خانجی این جور
چه داشتمید
خودشان را دخواش
کرده‌اند خوشبخت
هزار نفر پاشد
پاخصد هزار نفر
ناصرخان ازین قدر
پاخصه‌هار نفر ما
هزار سوار
هزار کشته

د. خلاف عرضی گز
نی مخصوصه در تما
برای ما سکمال
تی پانصد هزار تنر
(عبدالرحم فرا
مال کیست^۲) اما
ت چهارصد هزار
ملکت است
باشد این برابر
است خانه قاضی سه
شما چهاردها هزار
کردیم اما ش
ت مثل قوامی که د
باشد حساب کنید
بن حرفها بنظرم
جنگی واقع شد
دولت چه خواهد
خواهد شد اگر
شود اگر دولت غ
بن حرفا نهاده است
تر ترمیم کردند
دان اظهار داشته
صرخان که مردی
معترض مردی است
با پیخت ملکت با
صاحبی می فرمود
و مصاحب دیگری
ت رسمی کردند
دان اظهار داشته
صلح سلام خواهد
شیوه بود یاد
این قضایا بود
قدیم با سمت وزیر
فارس اولین نفر
انتقال از محروم ا
م سویت الدوله
وقت پدر ناصر
یک ارتباط معنوی
رقبای خودشان
یشان نزدیک بکنند
کاهزیز از حرکت
در دشت از زن
آنجای یک نایش
جنت مهمانی مقص
از سوار و بیاده و
داد در آنجای اعلی
قای سردار اگر
احتیاجی بیدایم
نم توایدیکت دول
به بود قربان صدم
کردند بود فرموده
 وقت کنید صد هن
در میدان جنت
کنید^۳ (شوشرت
الدوبلونیون چمتو

نمود	دستانه
ادوار	ادوار
افتخار	افتخار
شصد	شصد
مرزی	مرزی
آقای	آقای
نریا	نریا
هر چه	هر چه
ملکت	ملکت
گردو	گردو
سازانفر	سازانفر
مانابانی	مانابانی
دربر ایر	دربر ایر
دیدرفش	دیدرفش
آن ص	آن ص
قصه‌ائی	قصه‌ائی
کرد	کرد
تشقاقی	تشقاقی
خیلی	خیلی
بالشند	بالشند
میکنم	میکنم
است	است
تجربه	تجربه
کلمه‌بیر	کلمه‌بیر
اکر	اکر
تفکه‌های	تفکه‌های
اصلاح	اصلاح
اند که	اند که
پیشکش	پیشکش
ما	ما
نظر	نظر
لی	لی
وقتی	وقتی
و	و
شود	شود
می شود	می شود
غفار اوی	غفار اوی
جنات	جنات
رفتند	رفتند
حدشان	حدشان
سردار	سردار
با	با
خان	خان
گرفته	گرفته
کزود	کزود
کردند	کردند
بوروی	بوروی
مرحوم	مرحوم
مقصی	مقصی
دادو	دادو
تفنگ	تفنگ
حضرت	حضرت
روزی	روزی
شند بشما	شند بشما
شهر	شهر
راچع	راچع
تبهدید	تبهدید
هزارانفر	هزارانفر
بود که	بود که
تمویل	تمویل
تو زیمه	تو زیمه
این ق	این ق
یکک	یکک
سد	سد
در درست	در درست
پیشود	پیشود
است	است
کارک	کارک

شتری - به شمشاد
 خ خلخ سلاح پیش
 س فتنگی خلخ
 دولت امر و وزور
 ششصد تانفنك داد
 بد که بیش از این
 نداشتندگی
 شرط در آن دام
 بفرج رنقه بود
 ف کرده بود که
 هست چنان
 که بکلا دوای
 شفاقتی در میدان
 هزار نفر تفک
 این است که انس
 باز میکند
 هزار رفاقتی
 رخانواده ای همه
 رفی بزند که اگر
 باخته باشد این
 رهم یک تفک است
 هشاد هزار تفک
 هم بر سد که از ای
 کنند و بدانند که
 دولت قوی و مقدار
 مصالحت مملکت
 باید خام سلاح بی
 نظر و لات است ما
 قدری باید باش
 قافونی بوی سیاه
 د کتر شاهکار
 رفیس آقای د
 استخرا اک تمام
 است آفرین
 ۳- تقدیری باید
 قافونی بوی سیاه
 د کتر شاهکار
 رفیس آقای د
 با قید دو فوریت
 ۴- طرح و خات
 میلیون ریال
 و ارجاع بهم
 رفیس - وارد
 که در دستور
 انتها بود دولت
 بیست میلیون
 است که در جای
 ب شد وجای شد
 شده است (پیرا
 شبه اختیارات دک
 تور است آنرا اجاز
 صحیح است آنرا
 کر

نگرانی نهادن از میان رسانید
آن آدم بنا داد که سلاطین
شود خشایار شدند و اخراج
کشته بدل و لذت دادند
نیست اصلاح شفافیت
نماده است با اخراج
برای که شار آوردند
با پیشگیری آریم
سردار بکو که
بنم تعویل دادیم
سد هزار سوار
جهات حاضر میکنند
حال کجا است
آن وقتی که همین
پریوریتی میکنند
آدم حساب میکنند
بر ایشان و بنی
اشد این تقویت
فردا جواب این
آن؟ هرآدم باید کرد
بیش آمدی کرد
را من من بای
این جود بیانات
رس کنم که بگوش
است (شوشتري)
ن قیمتی بیانات خود
در این مملکت در
این باید جود
رس کنم که بگوش
است (دیکر)
 فقط امنیت فارس
که باشد و غیر از
ازدم
خر و قت شمامام شدم
م شد عرضی ندارم
هر طرح آقای
کار (کارکار)
کشتر شاهکار
ط روحی تهیه شده
تقدیم مقام ریاست
مه شور لایحه
اعتبارات زارت
جلس سنای

شد پر ای طفیر
لایچے رفاقت میت
(پشچ)
ریاست معدہ
حاظ نظم
فیر متربہ مسٹنگ
است که در بودجه
نشدے است علیہ
اعشاران مورہ ای
را تقدیم داشته
فوریت منشاید
مادہ واحد
مشور برازی
حوادث معمولیتی
بیست میلیون در
جنک یکداندار
نخست وزیر
وزیر دارالائی
وزیر جنک
رئیس ایران
موافق دارد آنکه
بفرمائید
حائزی زا
عادی و طبیعی خو
بودجه مملکتی
مجلس شورای ای
مع النائب مامک
است که هنوزی
نکرده که یاوران
یک گزارشگر خود
آن بهم جزو
کنیدیان چند
داریم من لا بد
یک بودجه ای
که لازماست بعید
در شکلکات مملکت
جنک ما بینداز
بیست آن هرچ
هست مینوان که
در روزات جنک
مطالی مم کنم
نه ربیع بجناب
بجناب سه پیده
وزیر جنک من
داشتم ما برادر
خودشانهم غیرا
ام (صحیح است
صورتی اتفاقاً
کرد هیچکس
نه کنند اگر که
ندارند این درجه
قاعدہ ای فکر
را برای فکر
مال عمل است ای
تعزیر کرد که
کم

آفایان تابعیت کان معمور رایل است اصطلاح تاریخی
جلب میکنیم و بعدم پیراپیش خودم خانه
میدهم البته همه آفایان تاریخ اسلام برگزار نهادهند
و میداند که باید میزبانی بین افراد
المؤمنین علیه السلام و معاونی ایشان را من
در گرفت و بودجه تکه های ایشان را من گردانی
ندازم ای مردم رای اینکه در آنده حکومت
حق و عدالت که نشانش علیه السلام بود
وازگوئی نکند و درد نهاده ایشان مسلمان
و شیعه که به این امور المؤمنین را بگارد دست بکار
یا کشته و حق تعبیه کشیده بود و متورداده
بود بهم چون مسلمانانها که در حوزه اقتدارش
بودند یکی بکه گوستند بدنه سازده
روز ۲۰ دوزن ، دوزن ، دوزن گفته ها
با گوش فردا انس گفتند بودند
آنها را از جهه ما بگیرند و وقتی که این
بجاهها میگردند و مبارزه ایشان را که متفاوت و دشمن
بیهودان آنها و بیرون آنها دستور داده
بود آنها و بیرون آنها که متفاوت و دشمن
برای روزهای میگردند و درد نهاده ایشان
که نکند که هم آند و گوستند های شوارا
برد و با این یک کلمه دشمنو و گفته است
بمتبل تویی و در دات درین بجهه اسلام هادستگاه
بنی ایمه بسیار و درد و بدم شوی گوشتها
همه بینی طور است از گوکستان شما از
دستگاه شالادزه استان شاهزاده و گرفت
ند منی خواهتم مکونم که مادرت بجهه
کود کستانی را گرفت و تنبیه کردند اش
آموزدازگیر و تنشیه کرد و دادلنده استان
یا در غلان داشتگاه نهاده که مصلح را گرفت
تبیه کرد و نهاده آن کستانی میبین انتشار
این فکر مستند در این مملکت باید مدد
حلوی آنها را در گرفت و در خود قانون باید
 جدا آنها را از بنی برد و مجال ادامه
انتشار افکار گویندیست که مقدمه من
دین و مدن منهد ، حد خدا است نیازداد
صحیح است (پیش: آنکه ذات آبادی
وقت شاه نام شد) در حقیقت دیگر اجازه
حرب گویندیست است ممکن است یک
کسی در این مطلب تردید کند هیچکس در
دینی منکر این نیست که حرب گویندیست
در روسیه شوروی زمام را بست گرفته این
قسد را هیچکس منکرش نیست و هیچکس
هم انتشار نماید که در طول سالار کنفرانس
هایی از نماینده کان اعزام گویندیست دینی
در روسیه شوروی اجتماع کنند و راجع
بسائل مربوط بودشان و سملک خودشان
بعثت میکنند یکی از نماینده کانی که در
روسیه شوروی را میگذرد را بود و شرکت
میکنند دیگر کیلی که غرب نموده ایران و نماینده
حرب متعله نموده ایران اش که این خود
بهرزین سند و بهترین دلیل است برای اینکه
آن دسته نوجو اعتفاد کامل بگویند
دارندند ایران باید کشورها که در اسلام
ایران باقی بمانند و چون باید باقی بمانند
کمو نیستی از این کشوف نایاب و شود
بهرزین سند و بهترین دلیل است برای اجتماعات
با شخترهای عجیب دارد و آنکه ایکا این
افکار را تلقین میکنند لک مظقرهای و مسیح
تر و بکه عده های بزر گردند از این نوجه

پدیده مینهاد من برویست **آقایانی** که باشد
دقیقه وقت اشتن آقای خلخلیری موافقت
فیلم نماینده (اگربر خاستن) تصویب شد
برفمالیه **خلخلیری**. نندم بخواست از هر اینض
این توجه داشم که مطلب آقای وزیر
جنهنشا باشد این مسائل را در وطن کشید
بردم و امسراها و نظامها بگویید که در گر
هفت این کارها را نزوند و بدین مسئله ای که بعد
از این قسمت باشد بعنایی نهاد که مدهم
ایشت که باشد در داخله اوش سکستاگاهی
وجود باشد که اینست که در گر
نیز زندگی سر برآزان نسبت بحقوق افراد
اوتش نسبت بزندگی و معیشت افسر هائیست
اعمال و معاشرت آنها همینطور نسبت بدر جات
و ترقیات نسبت به تمام مسائلی که مکن است
موجب عدم رضایت شود حافظت حقوق
تمامیها را باشد شما شدکار نهاد، را
باشد بر اساس این بگذارید که در گرسی
در ارش ناراضی نهاد اگر کسی
شکایت دارد بیک اعیانی دست داشته باشد
(صدرزاده). بهترین مصرف این اعتبار
هیمن است که در این دامنه صرف شود.
مشهود هر روز که این اعتباری را گفتم
گویید پنهان هم موافق دادن این اعتبار
هم و بنوان موافق صحت میکنم که این
اعتبار داده شود و آن مغایم ضمن موافقت
الآن لایحه توجه بگیرم که اگر بیک افسری
گفت من ناراضی سمت چون که درجه مرآ
نداهه اند، اگر بیک افسری گفت بین بد
سلوکی شد، است اگر بیک افسری گفت بیک
تیمساره هزارتر زمین داده اند و بنین ۲۰۰
متر و اگر بیک کسی گفت بموضع درجه من
داده شده بدلیگی داده شده باشیست بلکه
دستگاهی باشد که رسیده کی کند شنا در
دستگاه خودتان اشخاص شریف خوده هم
دارید که مابغضی آذنها میتوانند بغضی
هارا خودتان مشناسید بلکه دستگاه بازدش
در ازایش درست کشیده که هر آنچه افسری
شکایت دارد بتوانید دفع شکایت بگذارد از او
بشهاعری کم که اعلیحضرت فقید خون در
ازیش کشیل میرکرد از ارش در آن زمان خوب
بوده اعلیحضرت فقید در دادن درجه دقتی
کرد در ترتیب دقت میرکرد خودش میرفت
سربریستی میکرد اعلیحضرت فقید کفاید و
که بیاند بیک افسر راک تیمسار یک سرتیب
بملک دیگری تقطیع نمیکند اگر تهاوز میشند
جیش میرکرد واقعه فارس رامن دشیش از
آقای صدرزاده برسیدم رئیس قوای آنجا
بلکه کسی را گرفت و کشت دیدم که اعلیحضرت
تفقید اورا تعقیب کرد و مجازات کرد شاهم
بایند اینکار را بگذارند اینکه این افسر
هاست که میگیرید این است که آنها تخلف
گردانند آقای وزیر جلت این را خدمتمندان
هر چشم این افسرها باید مقتضی میگردند
من نزدیم نهادم که آن تمام آنها اعدام کنید
جنایالی که در این دستگاه همیشه باینها

میعنی گذشت چون سعادتیه کافی نیست (پس از ازنا یا نیز گان - رای میدهم) استانشکن شده آفایان هم که میرا دارته بندهم باشد بده را عرض کنم.

رئیس - حال اشامه دقت و اصحاب پرمانیه هنوز وقت نشانشده ارسلان خلعتبری - سلطانی را کنم خواستم عرض کنم و تذکر آنهم لازم است این است که اگاهان عدم: مثاب رایابید ما دلیل و منطق ازذهن جوانها را ازذهن مردم منصرف بیرون گرد افسران مامم جزو همه جوانها هستند اگر با دلیل و منطق شوابیه این موضوعات ازذهن آنها خارج کنید یک لازم نیست که شاعتار گیر یا هدایت بخوبید یا تبیه کنند بجزیره خارق برخستندما و شا هم افراد سلطنت دست بدست هم بهمن از راه صمیح بدن اینکه حق خون راک نفردا بریزیم این مسائل راحل که بیان را ماسیش (سمیع است) برای عصر هنرها باید باش هاگفت این یک قسم تاریخی است این عدم رضایت را کرا دلیش ثابت مکرر دید دفع میشود و قاتع میشوند بنده میگویم آقایان افسرانها متعصب کنند مها شما زاین وضع ناراضی میشند اگر گویم شما که از این وضع ناراضی هستند آن جیزی که شایانیه واهید آن جیزی بیست که بشادمادمی شود شما در شتابهای شناسار گردیدن را بشنید ممکن نیست ساندایی و توافق بیدا که شد آن داشتند که بیان آن شاعری از خبر گردید از او اول افلاطون شوکی تا دقتی آخر که جهات داشتند باز روز و فاقد بودند بررسی اولین گفتیه ای که درگرد شوری و شکل شد گویته بولیت بود و در ۷۰ روز عضو داشت اینست تروتسکی اسنایدل، کامینو زنیوویو، بوخارین، توتسکی که همکی در زمان استالین بیرون جاوسی اجنبی و شایان از بین بردن رئیس - آقای خلعتبری در آین نامه مدت نطق برای هرجیزی میشنده است مدت نطق در اوابع نیمساعت و نوشته است در موقیعه که اشتباخت اتفاق افتاد که برای مجلس میشود اضافه کرد اما یک شرعا اساسی از دارد که خارج از موضوع نشاده این قسم هایی که فرموده بهنده وارد در لایه نهادن برای بنده گمان میکنم اگر مریبوط بایلیه، باشد من ای و است اگر راجم باده این قسم باشد خیر الای باید رای گرفت خلعتبری - مربوط باهنست است رئیس - مربوط باهنست ولی صحبت خارج از سلطنت دیگر مربوط باهن لایه نیست و این سایه گذاشتندش که در لایه موضوعات خارج صحبت بشود (تفاوت صحیح است)

خلعتبری - آقای تقابت شا کنم فرمایند صحیح است امین یعنی همین رئیس - این رایابید نهاده جواب

گشودی و پوش یومن بوروز در قزوین چون شد
این دارایی یا مقدار میکنند اگر برای
یک مقدار است که شدید است. افراد ایرانی
را نیاز و ندر تر و سرشار گردیدند
برای جاماهای دیگر، هم صافه دارد. باید
در سایر جاماهای دیگر، هم صافه دارد. باید
باید از این دارایی که در اسلام پذیر شده
که کوپنیست های زمامدار شدند مگر در تمام
همستان پیش از افسوس هستانی فانی شدند که این
همستان را از اداره گند که درخته دار. دیگر
دو گووفسکی را آوردند
رئیس ارشت هستان کردند این هاراکر
با این جایگزینی غیر مفاسد است این که
آن انتقام، که این کاهارا کردند اند
آنها را نیما و ندن را شلگر سوهن بگند
باید این را کو-ونسکی باید غلام چیزی
سایه ای این موضع را باید برای هر بر
آنها گفت و جا شنیم در دویجه است که
باید گفته شود (صحیح است) میگویند
تیپش نیاید ماده، آقادر در روسیه باور
کشوارهای گوییست تیپش نیست؟ پسر
است این مگر فراموش نیروی هوایی نیست
آنها گفت و جا شنیم در دویجه است که
باید گفته شود (صحیح است) میگویند
تیپش نیاید ماده، آقادر در روسیه باور
کشوارهای گوییست تیپش نیست؟ پسر
یوسف ای این این خیال که این آقابان
را گرفته و خشل میگنند که در موادی آنها
مالیتی هست این را اینستی باست. ستم سمعی
گفت که این عاریست اگر از نظر وضمه سایی
این ما ناواراضی ستدند باید آنها گفت و
روشن کرد که آن وضع سایی که مدامه و اهد
باورده قائم مقام و نمی سایی مانگند
و قسم و ضمیر است (مگاری است)
را فرستاد باهن هشت پلکتر به من بطور
اشخاص رسان کرد، حلاصال فصل این
قسم را توپیه بدم که برای این دید
روزی شودی در ۱۹۴۱م و پیش اینست
ویلس شد و تمام خالقین را تصفیه کرد و
جهنم میلیون نفر مهندس و دوشهکار و
فرهنگی و کارگر و کارمند اداره را تصفیه
کرد بدد ۱۹۰۲ که دو سال پیش باشد
جشن تولد بریان را گرفته من خود در
روزنامه خواندم گذاماران غلی از او
ستایش کردند که این رفیق قدیمی
استایل است گفتند که این بزرگترین رهبر
است این فهیمیت کردند این هم خدمت
کرد و بعد از یک سال درگذشت
و گشتند و حتی خود اعضای دولت و روسی
حرب میخوردند تقصیر شیطان این
اگر بود پیش این روزها در این شهریور
آن یک روزم در گوکی بیواردی خانه کرد
که بیک کش که من سال دریاک روزی
خدمت کرده و نفر دوم آن روزم بوده و
جهنم میلیون نفر آدم بدمت او تصفیه شده
بعد از رفاقت استایل اوروا بنون جاموس
ونو کراجنی و خارجی غایباً بعده که کردند
واز بین بزرگ این چه میتوانسته باشد؟
که میلیون غیر را گشتن که در ماسنیون
احسی بوده و در آن میگذشت که روزم

سیاست، رای مخالف، رای ممتنع
میتواند ۴ یعنی اینکه میگویند که من
اینچنان نه میگویم آرزوی و نه میگویند نه
ممتنع را چه مخالف حساب میکنیم
برایین مطلب سنا خبر مولوی بیدار کرد
اگر یک رای لایحه ای را در طرف سه
کمیسیون تکلیف را تبیین نکرد یعنی
کمیسیون رای تعداد این در شده حساب
میشود (تغییرات) - یعنی ذهن کردن
این معنیست است (یعنی اینکه نه
نیگوییم که کمیسیون بشنید در طرف سه
سه ماه تکلیف را تبیین نکند ما متفق
این کمیسیون است و تا دو ماه تکلیف
معین میکند مطلب سنا کنگره است
ماه اگر تکلیش معمول شد در حکم ر
است این یک راه حل بسیار صحیح است
و مخالف اینهم نیست که مردم رسید
لایحه را فرازیرکید - چون این فقط مربوط بطور ای
فرادریست - چون این فقط مربوط بطور ای
دیگر مصدق است این خلاف اصل بخواهد
دولت مبنوانه هر وقت داش بخواهد
لایحه مجلس بدهد و کمیسیون مربوط
برود و رسید که هم بشود بنابراین
بنظر بینه با توضیی که خدمت آقایان
عرض کردم این مطالعه مجلس سنا لایحه
را بهتر کرده است، تکمیل کرده است
اما را بآن منظور و اتفاق خودنمایی که افای
قوایین مصدق است رسانید هر چه ماده ای
اطراف این بحث کمیم و آنرا طبع کنیم
و توذیع کنم و جله را عقب بینازیم این
بر خلاف نظر را وافق خود جناب آغاز
سفاوی که اول این طبق رای داده است هست
اگر یکی از مربوط بدوری بیهی یک عارض را اصلاح
کنیم دوریه این بینیمود بسنا و آن
منظور بیکه همه آقایان دارند از بین بینیمود
اینست که بنده معتقد هستم آقایان هم
موافقت کنند که این کار تمام بشود و این
طرح تصویب بشود.

عبدالصاحب صفائی - معاون این
مصدق و بالغ علاوه خلاف قانون اساسی بود
لو کردیم

وقیس - آقای دکتر شاهکار یاری نهاد
سکونتی کرده اند که مقدم است. پفرمایند
آقای دکتر شاهکار

اردلان - بنده مخالفم.

نقابت - خوب است نویتی موقوف نمیرسند

وقیس - نه بعد ازین بیشهاد نویت
شاست ولی بیشهاد مسکوت بقدم است.

دکتر شاهکار - عرض کنم وقتی
که در مجلس شورا اسلامی آقایان نایاندگان
ممترن طرح لنو قوانین آقایان دیگر مصدق
را دادند عارض این بوده که ... (یکنفر
از نایاندگان کان قانون نبود) بنده آشنا
با مصالحات اقضائی هستم عارض این بود
که کلمه قوانین ناشیه از اختیارات لنو و

که نایاب این اواح امیرا شدند
طوانش بهم بیرونیان که باشند
کردند اید که اینجا بشود (دکتر چرخیز)
حقوق مکتبه مردم نایابی ازین
(عبدالاصح-صفائی) همانرا حفظ
فیول (داریم) بنوان اینست که این کار
برداشت و کلمه در گذاشت،
بام دو هو است برای اینکه کار این
پکنیم پایدند باره بفرستیم سنا و این
از سر طرح بشود و اینها تمام نباشند
این میشود که این اواح بوضع
گذاشتند می شود و این مخالف فکر
آدمی است که می خواهد بکوی
بشد و اما یک چیزی کشیلی و افسوس
اینست که می کویند چورومی شود
لایه ای یا پایدند کمیسون تسویه
استفاده می کنند تو می بفرماید، یک لایه
پایدند کمیسون تسویه بسود عده عده
تکنک مجلس هر آن دهد باز هم کوپیا
خوب تامام او یعنی کدوات من دعمندان
شورای امداد تسویه بفرماید این رئیس
نیست چیز غیری است این یک چیز
است آقایان تعجب می کنند که تو فرماید که این
موضوع را شامانی می فرماید که این
خوب الان ده تا لایحه دولت اینست
که هنوز رسیدگی و تسویه شده
در مدتی که کمیسون و مجلس تسویه
نکرده نمی شود این اینجا بشود.
قواین را لو می کنند و لغو که کردند
اجازه استثنائی می بینند که در مدتی
کمیسون تسویه نکرده بود اینجا شو
اگر از اول کمیسون و مجلس باین
اعتنایت کنند این با هم اینجا بشود
بنده با مسکوت کذاشتن میکلی مغایر
ازین را باستی بهمین صورت تسویه
که کار تمام بشود.

۶- تعین موقع و دستور جلسه

بعد ختم جلسه

رئیس: جون این پیشنهاد
هر ای است و یک ساعت بعد از ظهر هم
عده هم برای رای کافی نیست مواف
هیبتetur میمانند برای روز بعد (یکنی
نمایند کان - اجازه ها چطوره) اجازه
هیبتetur محفوظ است و بنده گفت
این اواح مربوط بینا سایه هست
هیبتetur می آید و مصطفی می شود ولی
مجلاب هست فکم کمطبع و توزیع
که آقایان متوجه باشند. فعل جلسه
ختم می کنم. چله آینده روز سه ساعت صبح
(مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای اسلامی
راضی کنم

ظرف دو تا مطلب است که اصولاً فلسطین
است (اردن-آن و اختبارات) و اواح بر
خلاف قانون اساسی بوده و باید نوشود
اجازه بفرمائید چنان آنکه اردن بلطف
بکنید که بنده همه اهالی این کار معتقدید
هر چه زود تر بگذارد بندم همین عقیده
وا دارم اما قوه مقننه متفق اینکار است
و قانون نیاید غلط باشد. معلمی که در
این طرحی که این سنا برگشته است،
اینست که اگر در کمیسون مشترک در
ظرف سه ماه رسیدگی کند این قانون
رد شده تلقی میشود آقایان این برخلاف
عقل و شور است.

رئیس: شاه! اول اسنش را ملنی
کردید تقدیم اکر تا سه ماه داده نشد
دیگر قابل اجرای است.

دکتر شاهه کارشا که فرمودید
که این بعد از سه ماه کان میکنند باشند،
جناب آقای فرامرزی اگر تبصره اید
کار نبود و مطلع باینجا ختم میشد که
کلیه اواح اینو این سیار صحیح بود
مشایخی: آنند که آقای رئیس
بسیار صحیح بود.

دکتر شاهه کارشا: اند که آقای رئیس
هیشه صحیح است اما شما که قبول
کردید که بملک تناقض اختیارات باعمررات
قانون اساسی اختیاری بکمیسون دادید
و کفایت مطالعی کرد کمیسون تسویه
شد تاریخ نهائی عده عده این مددون نداشت
که این طرحی که این سنا صبح موردندا
مجلس شورای اسلامی (صحیح است) عرض می
کنم که این مطلب را در رهایی دقت رسید که
کردید و یکندم عده عده اوارد در مطلع بر
نهایت دقت و گنجایش این مطلع از شو شد
وروی هر لایحه هم ایستاد که میگذرند و
مفهوم آن اهابت میدادند و اصرار داشتند
حتی در دو ماه و حتى در ۱۵
روز و حتى بحال پایه این اختیارات بر
خلاف قانون اساسی است و اینه بنده
می بینم مجلس راسخ میکنم چه آقایان
کمی عصبانی هستند از از ای این که در زمان
جمهوری آن ساق شد و اشیاء کاریهای کادر
آزمان شد آن قبول، اما آن مطلب
نایاب باعث بشود که قوه مقننه دریک حال
صبابیت و عجله یک مطالعی را بکویند که
هیچ ابطاحی با احتمال و احتمال و احتمال
موقنی ندارد. اگر آقایان عقیده دارند که
مجلس شورای اسلامی از این طرحی
حل بشود، اگر آقایان عقیده دارند که
مجلس شورای اسلامی از این طرحی
محترم سنا کلاس دوام است (همه ندانند کان-
اینطور نیست) اجازه بفرمایند، اگر این
آنزو هم عرس کردم وقتی اصلش را قول
نمایند و می کویند خلاف قانون اساسی
است دیگر این دوام سه ماه بمنظور من درست
نیست هر چهار دوام لازم دارد بطور لایحه
می آورد و در عده عده و دیگر مفعه اینهاز است.
آنکه اردن

تیمور قاشمه اش را حذف کنید ما
ت قول داریم.

اردن-آن: تمنی کنم که آقایان اجازه
بفرمایند اولاً خواهش می شود ولی
مجلاب هست فکم کمطبع و توزیع
که آقایان متوجه باشند. فعل جلسه
ختم می کنم. چله آینده روز سه ساعت صبح
(مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای اسلامی
راضی کنم

کان لم یکن است بعده هم تمام شد
ابن مطلب رفت در کمیسون دادگستری
و خود آقای نایاب نایاب نایاب نایاب
که انت با سوابق فضایی که دارند بلطف
کسان لم یکن اشتغال اشان
را گفتهند و در تبعیه بعده نکردن مفصل
این لطف که هیچکوئی مفهومی نداشت از
ین رفت و رعات پان طرز در آمد و در
ناسان: کام مجلس کار نیزکرد جناب آقای
رئیس و یکندم از اعضاي کمیسون داد.
کمتری آمدند در مجلس شورای اسلامی نیشنستند
و در اطراف این طرح جلسات متعدد
کردند و روح حست کشیدند تا بالا این
باينصورتی که تقدیم مجلس، شورای اسلامی
شد در آمد و قوه طرحی که بنده و یکندم
از مکاران معمتم داده بودیم از آنهم
صرف نظر کردیم و نهیمه آن طرح شد
بنای بر این بنده بغير کمیسون داد.
کمتری جناب آقای عصیانی که بیشتر مثل مخبر
کمیسون مجلس سنا صحبت موردندا
مشایخی: آنند که آقای رئیس
بسیار صحیح بود.

دکتر شاهه کارشا: اند که آقای رئیس
کردید که بملک تناقض اختیارات باعمررات
قانون اساسی اختیاری بکمیسون دادید
و کفایت مطالعی کرد کمیسون تسویه
شد تاریخ نهائی عده عده این مددون نداشت
یعنی قانونست آنوقت دیگر کنی
شود مطالعی را بملک عدم رسیدگی کی اینو
شده و ازین ترتیب بدینه بین این اینینهادی
که بنده که در زمان شد و اینه بنده
که این طرحی را دریک حال
جمهوری آن ساق شد و اشیاء کاریهای کادر
آزمان شد آن قبول، اما آن مطلب
نایاب باعث بشود که قوه مقننه دریک حال
صبابیت و عجله یک مطالعی را بکویند که
هیچ ابطاحی با احتمال و احتمال و احتمال
موقنی ندارد. اگر آقایان عقیده دارند که
مجلس شورای اسلامی از این طرحی
حل بشود، اگر آقایان عقیده دارند که
مجلس شورای اسلامی از این طرحی
محترم سنا کلاس دوام است (همه ندانند کان-
اینطور نیست) اجازه بفرمایند، اگر این
آنزو هم عرس کردم وقتی اصلش را قول
نمایند و می کویند خلاف قانون اساسی
است دیگر این دوام سه ماه بمنظور من درست
نیست هر چهار دوام لازم دارد بطور لایحه
می آورد و در عده عده و دیگر مفعه اینهاز است.
آنکه اردن

معرف حکومت دو کراس است یا این را عرض
ستا هم مکمل است یا این را عرض
بکنم که در کمیسون دادگستری بشر کت
آقای عصیانی نوری و آقای نایاب نایاب نایاب
ما نشستم دریک این طرح کار کردیم و
بهر سورت یک عقیده داشتیم بر گر که داندیم
و طرحی که از مجلس سنا آمد من صحیح
حضور مقابله باست عرض کردم که معتقدین
اجرا بشود (صحیح است) و قوه کم معتقدین

رُوزنامه سینی کشور شاهنشاهی ایران

کامل کله توانید سویه و مطرزات - گزارش کسب‌وگذاشت - سورمه مفروج ملاکر کلد مهنس - اخبار سهیس - انتصابات - آگهی های رسمی و لالهوار

۳ شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۹۳

اصلاح عمارتی دارد از جاذب مایه بدهید تقدیم چکن
ریشیں - دیگر نظری نیست ؟
(اظهاری نشد) صور تعلیل جلسه قبل
تصویب شد

(۲) بیانات قبل از دستور
آقایان: ابراهیمی
ایلهخانی زاده - عبدالصاحب
صفائی اکبر
ریشیں - چند نفر از آذایان مقابله
نهادند قبل از دستور کردند. آنای بزرگ
از اینها عذر خواهند گرفتند.

نذرگرایت محاسن شورای ملی

جلسه ۶۳
صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجم
۱۴۳۳ آبان ماه ۱۸

فهرست مطالب:

- ۴- بیانات قبل از دستور- آقایان، ابراهیمی - اینسانی زاده - عبدالصمد

۵- صفائی و اسکندر

۶- بقیه مذاکر در طرح راجع بالفای اوایع ناشیه از اختبارات آقای ده
صدق*

۷- تقدیم ۴ فقره لایحه بوسیله آقای وزیر دارائی

۸- مرافق آقای ازواری بهماؤن وزارت دارائی بوسیله آقای وزیر دارایا

۹- بقیه مذاکره در طرح راجع بالفای اوایع ناشیه از اختبارات آقای دکتر صدق

۱۰- تقدیم یاکنفره طرح فائزونی بقدنه سه دوریت بوسیله آقای دکتر پیر بین

۱۱- تعیین موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه

۱۲- مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

دیر آمد کان باخا-آذایان	۱- تصویب صور تمجلس
زاده ۳۰ دفته بوداری ۴۰	رئیس - صورت غایبین جلسه قبل
جلیلوند یک ساعت امید تیمور	فرات میشد و
بکاهت و نیم	(بشرح خبروانده شد)
رئیس - نسبت بصور تمجلس	غایبین بالاچاره - آذایان در دست سید -
نسبت آقای حاشیزداده	امامی - بیان ما کو - رضا افشار - شیبانی
حائزی زاده - در هر این	مرتضی سعکت - اسحقندری - دکتر
اصلاحانی لازم است که در مطمه	عبد - شفیعی - عالم - محمود افشار -
شده اصلاح من کنم و میدهم بنند	کیکاووسی - سرمد
رئیس - بسیار خوب اصلاح خواهد	غایبین برآذایان - آذایان - حشمتی
آقای صفائی	استشنیداری - نراقی - صارمی - تجدید و
صفائی - هر این بنده هم	پورسریس -

می‌بینیم میانه میان برادر و بزرگ (بدین)
نایاند کان - اجازه‌ها چطور؟ اجازه
هیبت‌نور تغفیر است . بنده کنتم
این لواح مربوط بستا ساخته هست
هیبت‌نور آید و مطرخ می شود ولی
مجال هست که طبع و توزیع همی
که آقایان متوجه باشند . فعلا جلسه
ختم می کنم . جله آینده روز سه
ماهت صبح
(مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد
رئیس مجلس شورای اسلامی
راضا شفیعی)



بیتل امداده
بیتل هرودوگلی

نهن مذاکرات مشروط شصت و سومین جلسه از دوره هجدهم قانون کردند

٦- تعيين موقع ودستور جلسة
بعد ختم جلسه

**رئیس، جون این بیشتر محتاج
به رای است و یک ساعت بعد ظهر شد،
عده هم برای رای کافی نیست موضوع
هسته‌نیutron میاندان برای رویداد (لکن از
آنماهندگان - اجزاهه‌ها چهارم) اجازه‌ها هم
هسته‌نیutron مفوظ است . به نهضه گفتم که
این اول ایجاد مریبوط بینا ساخته هست که
هسته‌نیutron آب‌دوامetr می‌شود ولی جون
معالج است گفتم که طبع و توزیع همکنند
که آقایان متوجه باشند . فلان جلسه را
نهضت می‌گشم . جلسه آینده روز شنبه
ص ۹ ساعت (مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای اسلامی -
راضی‌حکمت**

طرخ دو تا مطلب است که اصولاً غلط است (اردلان - آن و اختبارات و لایحه برخلاف قانون اساسی بوده و باید تغییر شود) اجازه بفرمایه جناب آقای اردلان باور نبکند که بنده همانطور که آقا معتقدید هرچه زودتر بگذرد بندهم همین عقیده را دارم اما موافقت منع موقوف اینکار است و قانون نایاب غلط باشد. مطابقی که در این طرحی که از سنا برگشته است، اینستش کاکر در کمیسیون مشترک در ظرف سه ماه رسیدگی نشد این قانون در دادگاه نسبود. این میتواند این بخلاف نقل شده تلقی میشود آقایان این بخلاف نقل و شور است.

رقیس- شنا اول اصلش را ملتفی کرد یک تقدیم اکثر تا سه ماه داده نشد. قابل اجرا نیست.

دکتر شاهکار- تذکر آقای رئیس معمیشه صحیح است اما شما که قبول کردید که بعلت تناقض اختبارات با مقربات اینون اساسی اختیاری بکمیسیون دادید. اکنون بحالی که در کمیسیون تصویب نشده تاریخ نهادی معلمین قابل اجراست.

بنده فناورت آنوقت درگیر نیستند مطابقی را بعلت رسیدگی امو نهاده و از پندرفته بدانند این این بیشتر از این که درگذرا جم ساخت معاشران این لایحه ای دادیم در مجلس رعایتی روی همان اتفاق ممکنت باز برگردید بنساو اینکه اکه عرض شد موافق نیستم باینکه آقایان تسبیح کردند و همان که مجلس نوروزی ملی تصویب کردند و همان که مجلس را کردد.

رقیس- آقایان اجازه بفرمایه بنده آنروز هم عرض کردند وقتی قانون اساسی را قبول نهادند و گویید خلاف قانون اساسی است درکی این دو ماه سه ماه بینظیر من درست بست هرچهار دولت لازم دارد بطور لایحه ای این و در مجلس و دیگر همه اینها اگرداست.

تذکر اردلان

آقایان اجازه بفرمایه بنده

تیمور تقاضا- مهمنا از احذف کنید ما بول داریم.

اردلان- تمنی من کنم آقایان اجازه بفرمایه اولاً خواهش من کنم که آقایان بوضو عدا بطور کلی و اساسی در فکر موبدان بن یعنی بحث قاعده دیواره بوده، یعنی چه یعنی من شخص معتقدنم که یکساعت م نباشد م اجازه بدهیم که آن لواح هرگز بشود (صحیح است) و قی که معتقدنم

کان لم یمکن است میلش هم شام شد
ازین مطلب وقت در کمپیون داد کسترنی
خود آفای نفابت از اضافی بودند
که البتا با سوابق قضائی که دارند بلطف
سکان لم یمکن اشکالا تشن
اگتنده و در نتیجه بعث و تند کردن مفصل
ازین لغت که هیچگونه مفهومی نداشت از
آن وقت و مبارات بازن طرز در آمد و در
ستان کاملا عالم کار نمیگردید جناب آفای
پسی و یکمده از اضافی کمپیون داد -
شترنی آمدند در مجموع شورای ملی نشستند
بر از اراف این طرح جلسات متعدد
بر زدن و وزنی کشیدند تا از اخیره این
تصویروتی که تقیم مجلس شورای ملی
در آدم و وقت طرحی که بنده و یکده
هر کهاران معتبر داده بودم از آنهم
فظکر کردم و ضمیمه آن ریج شد -
ای بر این بنده بغير کمپیون داد -
شترنی ختاب آفای عمدی که استثنی مختبر
میمیون مجلس سنا صحبت فرمودند تا
میلس شورای ملی (صحیح است) عرضی
نم کامین مطلب را درنیه بدت رساند کی
مکرر دید و یکمده اضافی وارد در مطلب در
ایت دفعه کجا تاوی این مطلب اونشه
روی هر لغتی که استدان کی میگردند به
دوهم آن اهتمی مدادند و اصار داشتند
تی در ده ماه و حتی در ۱۵
هزار و حتى نظر پاینکه این اختیارات بر
ذلف قانون اساسی است و البته بنده
بخط مجلس راسخ میگنم چوست آقایان
محی عباپانی هستید از تاری کدوزمان
کوکومت سابق شد و اشتباه کارهایی کادر
زمان شد آن قولو ، اما آن مطلب
بدی باعث شود که قوه منته دریک حال
میایت و عوجه یک مطالعی را بکوید که
چوچ اضافیها با احصاء و اکار و عساپایت
تفقی ندارد ، اگر آقایان عقیده دارند که

پس سرویس می‌گیرد، اما اگر آقایان عقیده دارند که مجلس شورای ملی کلاس اول و مجلس نشسته‌نمایان سنا کلاس دوم است (همه، بین‌النهران گان) -
قطعه‌نامه نیست (باید بفرمایند)، اگر این عقیده دارید پس آن بیان آفاید
بدی نوری صحیح است که بیکویند
ت در مجلس سنا و تکمیل شد. تنتعل
+ بهتر شد و آمد (عیتدی نوری - ما
ادریز) (اما اگر آقایان عین عقیده اند اداریز
عقیده‌تان اینست که مجلس شورای ملی
رف حکومت دمو کراسی است و مجلس
نا هم ممکن است باید این را عرض
کنم که در کمپیون دادگستری بشر کت
اعنای عیتدی نوری و آنای ثبات و مادرین
نشسته‌نمایی این طرح کار کردیم و
بر صورت تکمیلی داشتیم بر گرداندیم
طறی که از مجلس سنا آدم من صحیح
ضور مقادیری است عرض کرد آن

افق رای مخالف و رای متعین است
میتواند اینکه مبکر کرد که من در
جای بگیرم آرای و نه میگیرم نه
متعین را جزء مخالف سواب مبکرتم
از این مجلس سنای فرمولی پیدا کرد که
برنیک لایه ای را در طرف سه ماه
میتوانند تکلیف داشتند تکریت یعنی
میتوانند این را در شده حساب
موقوف نمودند (پیوژناتش - یعنی دفن کردن) ،
میتوانند میثیش است (یعنی اینکه البته
میگوینند که میگوینند . بشنبند در طرف
ماه تکلیف را تینی نمکند ما کتفنم
آن که میگوییم هست و تبا در ماه تکلیف را
میگویند میکند مجلس سنای کفته است تا سه
ماه اگر تکلیف معلوم نشد در حکم رد
است این یک اراد حل پیمار صحیح است
آنچه را مدهدم و بطور عادی موردرسید گویی
میگیرد - چون این فقط مر بوط موابایع
که مصدق است این خلاف اصل نیست
بولوت متواند هر وقت داش بخواهد
بسیار بدهد و میگویند مربوطه
رد و رسید کی هم بشود بنا بر این
لرینده با توضیعی که خدمت آقایان
پوش کرده این مطالعه مجلس سنا لایحه
بهتر کرده است ، تکمیل کرده است
را بآن نظر و اتفاق خودمان که القاء
تینی صدق است رساید هر چه ما در
راتف این بخت کنیم و آنرا طبع کنیم
دو زخم و جله را خود نهاده
درین بغل نظر واقعی خود جناب اقامی
که اول این بخت کنیم و آنرا طبع کنیم
سی ایام دو مرتبه یک بیان را اصلاح
مود و در مرتبه این میرود بستا و آن
لکوریک به معما آقایان دارند از یعنی میرود
ست که بینده معتقد هست آقایان هم
تفاق کنند که این کار تمام شود و این

ح تهییوب بشد .
عبدالصاحب صفائی - ماقوائین
 حق و ایجاد خلاف قانون اساسی بودن
 کردیدم .
رفیعی - آقای دکتر شاهکار بیشنهاد
 گوئی کرده اند که مقدم است . بفرمائید
 ای دکتر شاهکار
اردلان - بنده معذلم .
لقدات - خوب است تو بتوانی نیز سند
رفیعی - نه بعد ازین بیشهاد نوبت
 است ولی بیشهاد سکوت مقدم است .
دکتر شاهکار - عرض کنم و قنی
 در مجلس شورای اسلامی آقایان نمایندگان
 تزمم بر لغو قوانین آقای دکتر مصدق
 دادهند بخاطر این بوده که ... (یکنفر
 نمایندگان - قانون بیود) بنده آشنا
 با اصلاحات صفائی هستم . عبارت این بود
 که قوانین ناشیه از اختیارات لغو و